

رفاه و اسراف از دیدگاه آموزه‌های اسلامی

مفاهیم رفاه و ممنوعیت اسراف، در آموزه‌های اصیل اسلامی همواره در تعامل و تعادل قرار دارند و رعایت اصول قناعت، صرفه‌جویی، مدیریت صحیح منابع و فرهنگ‌سازی در جامعه، می‌تواند به تحقق رفاه پایدار و کاهش اسراف کمک کند.



مفاهیم رفاه و ممنوعیت اسراف، در آموزه‌های اصیل اسلامی همواره در تعامل و تعادل قرار دارند و رعایت اصول قناعت، صرفه‌جویی، مدیریت صحیح منابع و فرهنگ‌سازی در جامعه، می‌تواند به تحقق رفاه پایدار و کاهش اسراف کمک کند.

قرآن از دیدگاه آموزه‌های اسلامی، آدمیان دارای دو بعد جسمانی و روحانی هستند و انسان‌ها باید به نیازهای هر دو بُعد خویش توجه داشته باشند. اسلام رهبانیت و خلوت‌گزینی را مجاز ندانسته است. این تصور که دینداران باید تنها به بُعد روحانی اهتمام داشته باشند، برداشتی اشتباه از آموزه‌های دینی است. بر همین اساس، از لحاظ بُعد فردی، مسلمانان و مؤمنان باید به رفع نیازهای جسمانی و دنیوی خویش اقدام و در راستای رسیدن به معیشتی قابل قبول تلاش کنند. هم‌اینطور به لحاظ بعد اجتماعی، حکومت‌ها باید برای شهروندان خویش بستر مناسبی برای زندگی فراهم کنند تا افراد جامعه برای رفع نیازهای خود دچار دغدغه نشوند. مهدی زره‌ساز، پژوهشگر دینی یادداشتی در اختیار ایکنای خراسان رضوی قرار داده است که در ادامه می‌خوانیم:

توجه به معیشت و مدیریت امور زندگی مادی، از نظر دین تا بدانجا اهمیت دارد که یکی از ارکان رسیدن به رشد و کمال دانسته شده است. طبق روایتی از امام صادق (ع)، تقدیر معیشت به معنای مدیریت امور مادی زندگی در کنار تفقه در دین و صبر بر مشکلات و سختی‌ها، سبب رسیدن به کمال در افراد است. علاوه بر این، در دعاهایی که از امامان علیهم السلام رسیده، به افراد چنین تعلیم شده است که از خداوند متعال درخواست رفاه در امر معیشت نکند: «أَسْأَلُكَ رِئَاسَةً فِي مَعِيشَتِي مَا أَبْقَيْتَنِي مَعِيشَةً أَقْوَى يَهَا عَلَى طَاعَتِكَ» (کافی، ج ۵، ص ۵۸۹) بی‌شک چنین دعایی از جانب امام معصوم دلالت بر این دارد که بهره‌مندی از نعمات الهی در راستای بندگی و اطاعت از خداوند متعال، امری مطلوب است، بنابراین انسان هم باید از خداوند درخواست کند که نیازهای معیشتی او به آسانی مرتفع شود و خود نیز علاوه بر دعا، در پی رزق و روزی بکوشد تا در زندگی دنیایی برخوردار از رفاه باشد.

می‌توان گفت به طور کلی از متون دینی چنین برداشت می‌شود که انسان‌ها نباید به امور مادی زندگی و نیازهای مرتبط با بعد جسمانی بی‌تفاوت باشند. بی‌توجهی عامدانه به این دسته از نیازهای بشری به صورتی که انسان دنیاگیز شده و امور حلال را بر خود حرام کند، از دیدگاه دین مردود اعلام شده است: «لَيْسَ مِنَّا مَنْ تَرَكَ رِئَاسَةً دُنْيَاَهُ لِأَخْرَجَتْهُ لِدُنْيَاَهُ» (من لایحضره الفقیه، ج ۳، ص ۱۵۶) ترک دنیا و عدم اقدام به رفع نیازهای زیست دنیوی، مخالف تعلیم دینی است، لذا آموزه‌های دینی به مؤمنان دستور می‌دهد که در قالب دعا از خداوند متعال طلب وسعت در رزق و روزی کنند و هم‌اینطور در راستای رفع نیازهای خود، به صورت عملی طلب رزق نموده و از امکانات دنیایی به طرز صحیح بهره‌برند.

رفاه به معنای بهره‌مندی از امکانات دنیایی است، به طوری که انسان در برآورده شدن نیازهای اولیه خود برای گذران زندگی دنیایی همچون غذای مناسب، مسکن و وسایل نقلیه و ... دچار سختی و مشقت نشود. انسان برای گذران زندگی ناچار از برآوردن اینگونه نیازهاست. از منظر دین هم مرتفع شدن این نیازها لازم است، چرا که دین تنها به بعد روحانی انسان توجه ندارد و بعد جسمانی آدمیان را نیز در نظر دارد، اما نکته مهم در مرتفع شدن نیازهای اولیه زندگی دنیوی از دیدگاه دینی این است که انسان، مرتفع شدن این گونه نیازها را با پشتوانه‌ای از نگرش و جهان‌بینی صحیح توحیدی پیگیری کند و تنها در این صورت است که انسان می‌تواند حد مشخص و معقولی را برای تلاش در راستای مرتفع شدن نیازهای اولیه اش تعیین کند.

اگر آدمی خود را بنده خداوند دانسته و تمام امکانات رفاهی را نعمت الهی بداند، در بهره‌مندی از نعمات خدا طوری عمل می‌کند که خداوند امر فرموده و با مصرف درست و معقول، شکر نعمات را به جا می‌آورد، به این دنیای زودگذر دل نمی‌بندد و برای بهره‌مندی بیشتر از امکانات، حقوق الهی و انسانی را پایمال نمی‌کند. چنین انسانی با این نگرش، متناسب با شأن اجتماعی و میزان درآمد خود، در حد کفاف و میزان لازم، از دنیا و امکاناتش بهره‌مند می‌شود و به عبارت دیگر، در بهره‌مندی از نعمات قناعت می‌کند، در استفاده از نعمات دچار حرص و اسراف نمی‌شود و نعمات خداوندی را در موضع صحیح و متناسب مصرف می‌کند و به تعبیر دیگر طوری مصرف خود را مدیریت می‌کند تا نعمات که امانت الهی هستند، ضایع نشوند.

اما فردی که نگرش صحیح توحیدی از اعماق وجودش نشئت نگرفته باشد، در مواجهه با امکانات دنیوی جانب شکر نعمت را در نظر نمی‌گیرد و آنچه برای او اهمیت پیدا می‌کند این است که هر چه بیشتر از امکانات بهره‌مند شود و هر چه بیشتر لذت ببرد. چنین فردی حد مشخصی برای تلاش در راستای برآورده شدن نیازهای جسمانی اش در نظر نمی‌گیرد و دچار حرص و زیاده‌

خواهی می شود که نتیجه آن مصرف گرایی بیشتر و بیشتر است.

اینگونه افراد بدون توجه به شأن اجتماعی و میزان درآمد خویش و فراتر از حد لازم، به صرف امکانات رفاهی می پردازند. در روایتی از امیرالمؤمنین(ع) سه نشانه برای افراد اسراف کار بیان شده است: «لِلْمُسْرِفِ ثَلَاثُ عَلَامَاتٍ: يَأْكُلُ مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَشْتَرِي مَا لَيْسَ لَهُ وَ يَلْبَسُ مَا لَيْسَ لَهُ» (مجمع البحرين، ج ۵، ص ۶۹) طبق این روایت، اگر فردی به خوردن، خریدن و پوشیدن چیزهایی که متناسب با شئون و جایگاه او نباشد اقدام کند، در گروه اسراف کاران قرار خواهد گرفت. اسراف کاران همین طور بدون توجه به امانت بودن نعمات الهی، چه بسا طوری این امکانات را مصرف کنند که موجب ضایع شدن نعمات شود. این افراد در مصرف امکانات، مدیریت لازم را ندارند و همین موجب هدر رفتن نعمات و اسراف خواهد شد. در روایتی، موارد اسراف به طور کلی چنین بیان شده است: «إِثْمًا الْإِسْرَافُ فِيمَا أُفْسِدَ الْمَالُ وَ أَضَرَّ بِالْبَدَنِ» (کافی، ج ۴، ص ۵۴) از دیدگاه دینی، بهره وری از امکانات دنیوی به صورتی که موجب فساد اموال و ضرر به بدن شود اسراف به شمار می رود، بنابراین اسراف مختص به ثروتمندان نخواهد بود و چه بسا مستمندان هم ممکن است دچار اسراف شوند. افراد باید جایگاه و شأن خود را شناخته و متناسب با شأن خود نعمات را مصرف کنند و طوری از امکانات بهره مند شوند که نعمات الهی دچار تباهی نشده و به هدر نروند.

مفاهیم رفاه و ممنوعیت اسراف، در آموزه های اصیل اسلامی همواره در تعامل و تعادل قرار دارند و رعایت اصول قناعت، صرفه جویی، مدیریت صحیح منابع و فرهنگ سازی در جامعه، می تواند به تحقق رفاه پایدار و کاهش اسراف کمک کند. این رویکردها، نه تنها به بهبود کیفیت زندگی فردی و جمعی می انجامد، بلکه نقش مؤثری در حفظ محیط زیست و عدالت اجتماعی ایفا می کنند، بنابراین، ترویج آموزه های اسلامی و شیعی در حوزه رفاه و اسراف، راهی مؤثر برای ساختن جامعه ای عادل، سالم و پایدار است که در آن کرامت انسان و بهره مندی عادلانه از نعمات الهی حفظ و پاسداری می شود.

ایکنا